

خواهران گریم

«کتاب سوم»

کودک در دسرساز



کتابخانه و مرکز پژوهش و نشر
پیشگامان

- (نویسنده: میکال باکلی) ترجمه: سعید رزازیان
- زبان: انگلیسی
- ترجمه: سعید رزازیان
- شابک: ۹۶۴-۶۱۶۱-۳۷۸-۲۰۵
- نویسنده: میکال باکلی
- مترجم: سعید رزازیان
- شابک: ۹۶۴-۶۱۶۱-۳۷۸-۲۰۵

او همچون فرشته‌ای از میان ابرها پایین آمد، پوشیده از پرتو نوری چنان درخشان که سابرینا و دافنه مجبور شدند با دست جلوی چشمانشان را بگیرند و صورت‌هایشان را برگردانند. هنگامی که به چابکی بر روی زمین فرود آمد و به آن گروه لبخند زد، نور کم شد و آن‌ها توانستند چهره‌اش را ببینند. او که تنها لحظاتی پیش یک مرد بود، رفته، و جسمش با بلوری درخشان، و چشمانش با شعله‌هایی سوزان که بسان دو خورشید کوچک بر همگی آن‌ها می‌تابید، جایگزین شده بودند. اما هنگامی که به سابرینا نگاه کرد، با وجود تغییرشکلش، دخترک توانست خنده‌ی موزیانه و عجیبش را ببیند. او با آغوشی باز به سوی سابرینا گام برداشت، و دخترک از وحشت تلوتلوخوران عقب رفت. لبخندش بی‌درنگ به اخم بدل شد.

سابرینا پرسید: «چیکار می‌کنی؟»

او جواب داد: «دارم آرزوی خودمو برآورده می‌کنم. می‌خواستم اون قدر قوی بشم که آدم‌هایی که دوست دارم رو خوشحال کنم. من بدبخت بودم. خوشحالی بهتره. تو هم می‌تونی خوشحال باشی. یه آرزو کن، سابرینا. هر چی که دلت می‌خواد. می‌تونم برآورده‌اش کنم.»